

پانصد و شش از عالم زفته مجلس چهاردهم

مطلع جمال احدی شیخ اوحی از مریدان حضرت شیخ اوحی
کرمانیت در آستان شرد و کپال اولیا و مجلس درس حضرت



شیخ فصوص الحکم منجی از اندیشه مثل شیخ عراقی و امیر حسینی
و شیخ سعید فرغانی و شیخ اوحی از آن جمله است بر جوفانی یا

بلکه تمام از پر کار رفت و از بر با عیادت که در آن مجلس سماع بخواند

مرحبه نذر خور و تو ام میدانی خون شره پر و تو ام میدانی

و لعل خست عشق تو ام می بینی ماتم زده در تو ام میدانی

هم بر جانم این سینه عم می بینی خون گشته ام بصدرت می بینی

نه روز نه روز کار نه دوست بیچاره جنس مانده ام می بینی

دل چون لعل غم خورده تواند صد واقعه برسم زده تواند

ناشر عیب لم نشود خوانم وقت فرما تم زده تواند

عشق تو ام سر پیش اندوه نوی در درد تو ام دست من اندوه نوی

در شبانی که یار باید بکس کس نیست مرا هیچکس اندوه نوی

حالت شیخ میر تبه در او اثر کرد که نام و ناموس و دایه کرد

در سماع رفت و جمعی از درویشان صاحب دوق و ستوق که

نظاره آن سر و سبی که دهن فی الحال قالبی گشته که آمد در تانج